

بجهت کمزرتبطه متصل اند باید دانست که ملوک را امتیازی بلند است  
 و بدین سبب خلق را با ایشان در مقام بندگی باید بود و هیچ وجهی  
 امر جل جلاله و تقصیر را ایشان نباید کرد و اگر چه در رعایت تقرب باشند  
 بر امر که در این میان آنکه گناه با ایشان با ما و عاید شود گناه بر خود  
 باید گرفت و مساحت ایشان را از گردن نقصان و عیب مبرا گردانید  
 بعد از آن بطایفه تیره بر اوست ساحت خود بر ایشان ظاهر کرده و  
 تحریضی ضای ایشان را بفرمایند و در مطلقا حفظ نفس بر طرف  
 باید کرد و در جمودیت هیچ مرتبه ترک حفظ نفس فرسود چون از آن  
 مقرر کرد اند هر امر که متصرف حفظ او یا حفظ خودم تواند بود و حفظ خودم  
 تحصیل نماید که مراد از حفظ او نیز حاصل شود و در اینجا جمیع  
 از ایشان لطیف تیره بوسیله باید نمود و نه بالجامع و مسالنه و از حرص  
 احتساب باید کرد و در قناعت کوشیدن جز نیافود پس کسی کند  
 که از او معرض باشد و اگر کسی بر او قبال کند دنیا از او بماند نماید  
 در حدیث است ترک الدنيا تا یک در عقبه و در توبه است که الله تعالی  
 فرمود با دنیا آخری من بعد منی و لا تخدی من خدمک و باید که سلطان

اسباب منافع و مال آورده و وسیله ایشان تحصیل آنها نماید و بخوا  
 مال ایشان طمع کند تا از آن سوال مصون باشد و هم نفع بسیار آید  
 و هم نزهت ایشان محترم و مقبول باشد و با ایشان چنان اظهار کند که  
 با نذک تقاضای که فرمایند جمع اموال و ذخایر خود بدل نماید چه اگر  
 اظهار منافستی درین باب کند البته مقتضای الناس عرض مکتوب  
 مانع حرص ایشان نبوده کرده و حکما گفته اند المنوع محروم و محروم غلبه  
 و البذل ملوک منه و باید که بجایه و مال زمینت ایشان بخواهد بجز  
 خود و اصلا در چیزی که مخصوص ایشان داشته باشد ایشان باشد  
 از مرکب و طبع و غیر آن مشارکت نماید چه بواسطه سود  
 ادب آن جز را در معرض زوال خود را در حد و بلاک آورده باشد  
 و در هیچ امر و اگر چه مستحق بود استحقاق از ایشان ظاهر کند و در  
 حال رضای حکام ایشان شعار خود سازد و در صحیفه سلیمان بن داود  
 علی نبیا و علیها السلام مسطور است که بر سپیل خطاب با  
 خود میفرماید که ای نفس ملوک را خاطر مدار و سخن ایشان بنویس کن  
 و هیچ وجه نذر ایشان که متصرف شستی باشند نسبت با تو با ما گیری

بدر